

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دوکتور محمد اکبر یوسفی

۰۲ جولای ۲۰۱۲

قانون اساسی داریم، آیا در وضع خوب هستیم؟

در آستانه «وحدت دوباره المان»، که پس از جدائی بیش از چهار دهه، ممکن گردید، «دیوار برلین» فرو ریخت و مرزهای جدائی بین دو دولت موجود المانی وقت، نا پدید شد، در نخستین روز ها، موضوع قانون اساسی و مشروعیت آن، در نظام حاکم و واحد جدید آنکشور مطرح گردید. فقط قریب چهار سال دو بخش جامعه، از زمان ختم جنگ دوم جهانی به بعد، در تحت حاکمیت سیستم های اداری- سیاسی مختلف زندگی داشته اند، ولی حالات در کشور ما در تحت شرایط متفاوت، تغییر یافته است، که نیازی به تمرکز جدید فکری و ساختاری داشته است.

بحران بیش از سی سال، قوانین و به خصوص قوانین اساسی، با چنان تغییرات مفهومی موقت روبه رو گردیده اند، که در حقیقت نقش و مفهوم قانون اساسی، را ممکن حتی در اذهان اتباع «مکتب پاس» نیز پیچیده ساخته باشد، چه جایی که در جامعه ای با آمار بلند محرومیت از نعمت سواد خواندن و نوشتن، در فکر و ذهن آنها موضوع به رسمیت شناختن قانون را در عمل انتظار داشت. هر گاه عکس العمل های بعضی از «سیاستمداران» فعلی را تنها بعد از کنفرانس «بن» که بر تدویر لویه جرگه موافقت نموده، بعداً کشور صاحب قانون اساسی گردید، در نظر داشته باشیم، مبین این حقیقت است، که آگاهانه یا نا آگاهانه، به اهمیت قانون اساسی توجه نمی نمایند. به عنوان مثال وقتی امروز، در تصویب نظام حکومتی «پریزیدنشیال» (ریاستی) سهم گرفته اند، وقتی اگر فیصله به میل آنها نبوده است، سر از فردای آن، سیاست آینده را، مبارزه به خاطر نظام حکومتی «پارلمانی» اعلان، و به تبلیغ پرداخته اند. اصولاً «ورود کاپی» سیستم های حکومتی، عواقب خوبی نمی تواند داشته باشد، بدتر از همه آن خواهد بود که بر سر «کاپی های وارد شده» مناقشه صورت گیرد.

شخصیت معروف، سیاستمدار برجسته، یکی از چهره های معروف «ضد فاشیزم» که در سالهای جنگ دوم جهانی از جانب پولیس مخفی «هیتلر» تحت تعقیب قرار داشته و در خارج از کشور به سر می برد، زمانی هم «شارول برلین تقسیم یافته» بعد از جنگ، «صدر اعظم المان» و رهبر محبوب حزب «سوسیال دموکرات المان»، «ویلی براندت»، برنده جاززه «نوبل»، معادل به این مفهوم تقریبی، در خطاب به ملت المان، اظهار نظر نمود.

قبل از آن که به بررسی و ارزیابی قسمتی از مسایل کشور ما در سالهای «بحران» به طور خلص و نمونه نئی بپردازم، با تکیه بر مفاهیم، «مشروعیت» و «قانونیت» در مقاله قبلی، تحت عنوان «مشروعیت و قانونیت در حاکمیت اجتماعی - «مکس ویر»!، که در پورتال «افغانستان آزاد- آزاد افغانستان» منتشر شده است، آنچه را که در عمق اهداف کنفرانس «بین» هم می تواند، در رابطه با افغانستان نهفته بوده باشد، اشاره نمایم.

در کشور بحرانی افغانستان، که نخست به «حل منازعه» و ختم جنگ نیاز دارد، نا ممکن است که کس از ارزش های قانونی بتواند چشم پوشی نماید. درک «اشکال و تغییرات حاکمیت قانونی»، نیاز به درک «مفاهیم قانونیت» و «مشروعیت» می داشته باشد. «مکس ویر» خود نوعی از «حاکمیت قانونی» را انکشاف داده، ولی در مجموع دانشمندان و سایر فیلسوفان در این کشور، مسیر با ثبات را برای جامعه خویش ترسیم و روشن ساخته اند. راز موفقیت این جامعه و ملت در آن نهفته است که فضای اعتماد، بین رهبران دولت و علماء وجود داشته، علماء نظر و ارزیابی های خود را ارائه می دارند، دولت و سیاستمداران، به نتایج علمی ارجح می گذارند، از کار آنها تقدیر به عمل آورده جایی که لازم باشد، زمینه های عملی را هم، فراهم می آورند.

در این کشور که سیستم حقوقی دولتی، خاصاً «قانون اساسی» و مواظبت از تطبیق قانون از اهمیت برخوردار بوده است، قریب ده سال قبل، از تدبیر کنفرانس «بین» در سال ۲۰۰۱، در باره افغانستان، «ویلی براندت» متوفی، خواهان «تدویر کنفرانس بین الافغانی» در همان شهر بوده است، که به نسبت عوامل نا معلوم از جانب قدرت های افشاء نشده، احتمالاً بین المللی، متوقف ساخته شد.

حال از تاریخ ۵ «دسمبر» ۲۰۰۱، روز عقد توافق روی تشکیل اداره موقت در افغانستان، در ختم کنفرانس ۹ روزه در قصر «پیترسبرگ - بن» آلمان، به اشتراک چهار گروه، چون «اتحاد شمال»، «گروپ روم»، «گروپ قبرس» و «گروپ پشاور»، تحت رهنمائی و حمایت سازمان ملل متحد و کشورهای خارجی، قریب ده و نیم (۱۰ ۱/۲) سال سپری می گردد. در آنزمان «اتحاد شمال» را گزارشگران «بی. بی. سی» یگانه گروپ مسلط، که دارای نیروی جنگی در افغانستان بوده است، می شناختند. گروه های دیگر را یا ضعیف و یا نظیر «گروپ روم» دارای هیچ قوت نظامی در داخل افغانستان، که اعضای «هیأت» آن را متشکل از سیاستمداران باشند در خارج از کشور معرفی نموده بودند، خبر داده اند. نویسندگان به خود صلاحیت نمی دهد، که راه های حل «سیاسی» را پیشکش نماید و یا این که روی موضعگیری سیاسی کدام گروپ سیاسی اعتراض و انتقادی را بر روی صفحه بیاورد. اما، بر حسب اصول، پرنسپ حالت «است» یا بوده است (is) or has been) را که از وقوع حوادث تا حد ممکن به دست می آورد، جمع بندی نماید. حالت را تا جایی که از منابع نشراتی به دست می آید، به مطالعه بگذارد. در مورد، حالت «لزوم» یا «هدف» و یا این که «باید می بود»، نیازمندی جامعه و حلقات «قدرت» و «مجریان اداری» و مسؤولین «سیاسی» کشور، تعیین می نمایند.

در حقیقت، نباید از نظر دور داشت که در بحران بیست ساله افغانستان، حین تدویر کنفرانس «بین»، همه با سابقه و جریان حوادث، با مناسبات داخلی و خارجی آن واقف بوده اند. اهداف کنفرانس و جریان آن در سلسله مقالات اینجانب در «پورتال افغانستان آزاد...» به دست نشر سپرده شده است، که از منابع معتبر خبری جمع آوری شده است. این را هم می دانیم که تراکم پرابلم های عدیده، گره خوردن اهداف و دلچسبی های کشورهای خارجی منطقه و جهان، بحران را تا اکنون، برای مردم افغانستان، به مثابه «زخم خون چکان» نگهداشته اند. برای پایان بخشیدن به آن، باید عمل می شد. در گذشته هم تلاشهای زیاد بین المللی، از طریق سازمان ملل متحد، به ناکامی انجامیده بود. در آن بیست سال نیز مراحل خونین و ویرانگر مختلف سپری گردیده است. به عنوان نمونه تذکر می دهم که سالهای

۱۹۷۹ الی ۱۹۸۹ دارای یک کیفیت (موجودیت قوای شوروی، به جای قانون اساسی، «اصول اساسی»)، ۱۹۸۹ الی ۱۹۹۲ حالت دیگر (بعد از خروج قوای شوروی، رفرم ها و من جمله تصویب قانون اساسی...)، ۱۹۹۲ الی ۱۹۹۴ (انتقال قدرت به «تنظیم های جهادی» و آغاز «جنگ داخلی» بر سر قدرت)، باز بُعد خطرات و ماهیت دیگری داشته است. در این مدت زمان، تحت نفوذ و فعالیت های حلقات و قوت های متنوع محلی، داخلی و بین المللی، همه و همه به شکلی از اشکال، در وقایع درگیر بوده اند. هستند نویسندگان و علاقه مندانی که به میل اصطلاحات «بازی»، «توطئه»، «دسیسه» را به کار می برند، بدون آن که اسناد ارائه نمایند. من با کلمات «ادویه دار» و تند مفاهیم را نمی توانم فورمولبندی نمایم.

در مدت قریب شش سال از اخیر سال ۱۹۹۴ الی اخیر سال ۲۰۰۱، همه شاهد جنگ داخلی بوده ایم که هر لحظ با کیفیت دیگری به پیش برده می شده است. در مجامع بین المللی بودند متفکرینی که دریافتند: «افغانها به تنهایی قادر به ختم جنگ نیستند»، به خصوص بعد از آن که نمایندگان خاص سازمان ملل متحد، نظیر «میسثیری» و «الاحضر ابراهیمی» هر یک، گزارشات ناکامی شان را در زمان قبل از، سالهای ۱۹۹۶ به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارائه می داشتند. عبدالرشید دوستم، در جنوری سال ۱۹۹۴، بار دیگر تغییر جبهه داده، با گلبدین حکمتیار، علیه «شورای نظار» و متحدین دولت وقت در تحت رهبری برهان الدین ربانی، رئیس «جمعیت اسلامی»، به محاربه پرداختند.

با مروری بر صفحات نشرات، چشمم به گزارش مجله «فوکوس» (Focus) می خورد، که در صفحه اختصاصی نشر معلومات در باره افغانستان در شماره ۲۰ فیبروری ۱۹۹۵ می نویسد: «افغانستان- صلح مطمئن ملل متحد». در عنوان دومی تحت این جمله می خوانیم: «بنیادگرایان طالب، با پیروزی های نظامی خود، دورنمای صلح لطیف و ملایم را به مخاطره می اندازند». پیشرفت طالبان را در افغانستان، با «گرد باد»، شباهت داده اند. در آزمون، قبل از آن که «طالبان» کابل را تحت کنترل داشته باشند، مسیر حرکت نظامی و نمونه هائی از ترکیب قوای آنها را با تصاویر جنگی ها، که «شاگردان جنگی بنیادگرا»، نام گرفته، شرح نموده اند. ممکن است خوانندگان محترم، بدانند که چنین وقایع یا حرکات نظامی، برای قدرت های خارجی، به شمول کشور های همجوار بی تفاوت نبوده باشد. در باره رهبران آنها می نویسند که از «شورشی تا عالم اسلام».

به ادامه می نویسد: «چهار ماه قبل، بعد از آن که در جنگ داخلی دخالت نمودند، حال در مقابل دروازه های کابل ایستاده اند: یک قومندان طالبان، به نام مأمور جاه (Mamour Jah) اظهار می نماید: «ما زمانی به پیروزی نایل خواهیم آمد، که افغانستان واقعاً یک دولت اسلامی باشد.» (ص، ۲۵۰) این شخص علاوه نموده است: «ما برای یک افغانستان واحد می جنگیم. هر کسی که در برابر ما قرار گیرد، علیه آن خواهیم رزمید.» در عین حال در این منبع اضافه می گردد که «هفته قبل ۲۰۰۰۰ طالب، رهبر حزب اسلامی و صدر اعظم گلبدین حکمتیار را - خود یک پشتون- از قرارگاه وی در چهارآسیاب، واقع در ۲۵ کیلومتری جنوب کابل، راند» وقتی از زبان «طالبان» می نویسند که گفته اند: «حکمتیار ختم است»، ناظر- ملل متحد در اسلام آباد می گوید:

«نمایندگان حزب اسلامی هنوز هم در کابل هستند، اما هیچ تماس دیگر با حکمتیار نداریم.» نباید فراموش نمود، که در آن زمان تماس مذاکراتی با طالبان هم ادامه داشته است. در همان زمان همچنان حدس می زده اند، وقتی «حکمتیار از راه دور ساخته شده است، چنین ظاهر می شود که، ممکن رئیس جمهور ربانی، خواهان چسبیدن بر قدرت باشد. در این رابط علاوه می گردد، هرگاه، «مذاکرات وساطت» ملل متحد در هفته آینده به شکست روبه رو شود، طالبان به حرکت به سوی کابل علیه رئیس جمهور ادامه خواهند داد. در قدم اول این حالت «ختم تلاشهای صلح معنی خواهد

داد.» در آنصورت واضح است که: «طالبان حاضر نخواهند بود تا با گروپ جنگی قبلی در یک کمیسیون یا محفل بنشینند.» (همانجا)

قبلاً در همین گزارش که مطالب زیادی تذکر داده می شود، از زبان آمر دفتر مأموریت ملل متحد برای افغانستان، «فرانسس اوکیلو» (Francis Okelo)، که در یک صحبت با نماینده «فوکوس» اظهار داشته است، می نویسد:

«طالبان علامت آمادگی برای اشتراک در حکومت انتقالی را از خود بروز داده اند.» در همان زمان، همچنان گزارش داده می شود که طالبان از جمله ۲۹ ولایت افغانستان ۶ ولایت را در این مدت تحت کنترل خود در آورده اند. قریب یک سال بعد، ورود «طالبان» به کابل را با همه حوادث خوانندگان محترم به یاد دارند. نشرات خارجی بی شماری حوادث را گزارش داده اند. مجله «فوکوس» اینبار نیز گزارش اختصاصی در باره افغانستان را در شماره ۴۱، سال ۱۹۹۶ به چاپ سپرده است. در صفحه ۳۲۸ آن مجله تصاویر متعدد را با جملات مختصر می بینیم. در این شماره، طوری که، محتوای این «مجله مصور» نشان می دهد، موضوعات مختلف را به طور مختصر به نشر سپرده است. عنوان درشت بعد از نام افغانستان چنین به چشم می خورد:

«قرآن و مواد مخدر». در تحت این عنوان درشت می بینیم: «چرا اضلاع متحده امریکا حکومت طالبان را با احتیاط مثبت ارزیابی می کنند. و چرا روسیه آن را رد می کند.»

در همین صفحه مصور که خود سخن می گوید، درباره «جنبش طالبان» می نویسد که در سال ۱۹۹۴ در ولایت قندهار تأسیس یافته، رهبر آن ملا محمد عمر ۳۲ ساله، در سال ۱۹۹۶ از جانب ۱۰۰۰ روحانی مسلمان، به حیث «امیر» («امیر المؤمنین») تعیین گردیده است. با اشغال کابل، ملا محمد ربانی را به حیث صدر اعظم اعلان داشته اند. او یک کابینه شش نفری متشکل از «ملاها» را در کابل رهبری می نمود.

در پهلوی تصویر عبدالرشید دوستم، که از وی به عنوان «جنگ سالار ازبک» ۴۱ ساله نام می برد، با خط درشت، مطالب معلوماتی را در این رابطه، چنین عنوان داده است: «پادشاه ساز متردد». در این متن کوتاه می نویسد که شش ولایت شمال را، تحت کنترل دارد. «قوای قریب ۴۰۰۰۰ نفری» او تونل سالنگ را سنگر انتخاب نموده است. «ازبک یک هیأت مذاکره را به کابل، نزد طالبان فرستاده است. در گذشته هم، مکرراً جبهات را تغییر داده است: در آغاز رئیس جمهور نجیب الله، بعد مسعود و اکثراً خودش را.» (ص، ۳۲۸)

در صفحه ۳۳۲ همین شماره مجله، در بالای صفحه، عکس اعلیحضرت محمد ظاهر شاه را با یک روحانی به دست نشر سپرده اند. در پهلوی عکس پادشاه سابق، روح شان شاد باد[*]، متن کوتاه نوشته شده است که می خوانیم: «تصمیم اتخاذ نموده ام، که به وطن افغانستان برگردم، تا صلح و وحدت ملی دوباره احیاء گردد.»

در جنب عکس روحانی که اسم ایشان را «مولوی شیخ الحدیث»، تحریر نموده علاوه می گردد: «تحت رهبری پادشاه، وحدت ملی برای ما تحفه خداوندی داده شده بود. این نظام حال با طالبان بر می گردد.»

در قسمت پایان این صفحه، مصاحبه با وزیر خارجه طالبان، حاجی ملا محمد غوث منتشر گردیده، که گفته است: «این قیام مقدس است» و کوشیده است، به ضد نشراتی که که گفته می شد «طالبان از خارج حمایت می گردند»، موضعگیری نماید. در شماره ۴۳ همین مجله، مؤرخ ۲۱ اکتوبر ۱۹۹۶، صفحه ۳۳۸ می خوانیم: «مسکو بار دیگر دخالت می کند.»

تحت این عنوان درشت می نویسد که:

« روسیه جبهه ضد طالبان و پاکستان را تشکیل می دهد، تا بنیادگرایان را دفع نماید.»

با ذکر چند مطلب از دهه نود، الی بروز طالبان، می توان تصویری را حاصل نمود که، با وجود آن که « فضای جنگ سرد» بین قدرت های بزرگ وقت، در عرصه بین المللی رسماً خاتمه یافته بود، ولی جبهه های جنگی در افغانستان، هنوز از همان ذخایر قبلی نیرو می گرفت. بدین معنی که به ادامه همان سیاست ها، زخم خون چکان ادامه داشت. دو قطب در مورد افغانستان، همان صراحت موقف سابق را نداشت ولی برای پیشبرد اهداف کافی بوده است، تا سیاست ها از طریق «نمایندگان» به «قرارداد» گرفته شود. فقط از دید این نویسنده، یک علامت نشان می داد، که تا آن زمان، برنامه احتمالی «تجزیه» کشور ما، ممکن نهائی نگردیده بوده باشد. این علامت را می توان به زمانی ارتباط داد، وقتی جانب طالبان، تقاضای «اگریمان» یک مقام «سفیر و نماینده خاص» را به سازمان ملل متحد فرستاد، «چوکی افغانستان» برای دولت قبلی افغانستان ثابت ماند. در صورتی که طالبان هم چوکی رسمی به دست می آورد، می شد که سرنوشت مملکت با سرنوشت «یمن» در گذشته، «کوریا» و زمانی هم مانند ویتنام مشابه می بود.

با صرف نظر از تفصیل، سیاست بعدی «طالبان» و وقوع حوادث تروریستی در صحنه بین المللی، آن موقف و موضعگیری قبلی اضلاع متحده، در رابط با طالبان روز تا روز متزلزل می گردید، که با وقوع حادثه ۱۱ «سپتامبر» ۲۰۰۱، وضع کاملاً به طور بی سابقه و نو مبدل گردید، بالاخره واشنگتن «راه جنگ ضد تروریسم» را در پیش گرفت، متحدین و کشور های دیگر هم به عنوان همبستگی با واشنگتن، در این جنگ پیوستند.

همه می دانیم که این کنفرانس، بنا به دعوت سازمان ملل متحد و نماینده خاص آن سازمان، برای افغانستان آقای «الاحضر ابراهیمی»، تدویر یافت. هدف اساسی ایجاد اداره موقت و آغاز پروسه «ملت سازی» که در حقیقت، احیای دوباره نظام دولتی در تحت شرایط نو، که طبیعتاً بر حسب عنعنات و خصوصیات جامعه افغانی، قانون اساسی و سایر قوانین باید به تصویب می رسید، هدف بوده است. بعد حقایق نشان می دهد، که در این راه کی صادق بوده است. این کنفرانس در حالی تدویر یافت که به تصمیم و رهبری اضلاع متحده امریکا از ۷ اکتوبر، مصادف با آغاز عملیات نظامی قوای «ائتلاف» جنگ «علیه تروریسم»، در افغانستان حدود ۵۲ روز عمر راپشت سر گذاشته بود. در زیر سایه همین عملیات قوای نیرومند نظامی خارجی، «اتحاد شمال»، عملاً و قبلاً به حیث «بديل» قدرت به جای «طالبان»، به اساس تبصره های آگاهان سیاسی، تعیین گردیده بود. «اتحاد شمال» که شهر کابل را در تحت کنترل خود داشت، «گروپ مسلط» در کنفرانس را تشکیل می داد. یکی از عوامل طول کشیدن مدت دوام کنفرانس را، همین موقف جدیدی که در شرایط خاص حضور قوای خارجی، به نفع «اتحاد»، به وجود آمده بود، شناخته می شد. اهداف متضاد و اختلافات منطقه ئی روی مسأله افغانستان، در طی سالهای بعد از به قدرت رسیدن طالبان، کاملاً حل نگردیده بود. در این جمله می توان از تلاشهای «الاحضر ابراهیمی» در دیدار ها و مذاکرات با کشور های عضو، ۶+۲ نام برد.

خوب به یاد داریم که در آستانه تدویر کنفرانس، اعتراضات و اختلافات نظر از هر طرف در باره «ترکیب» هیأت اشتراک کننده، بیشتر مطرح بحث بوده است. از این که «تقاضای» پاکستان مبنی بر این که باید از طالبان هم دعوت به عمل می آمد، پذیرفته نشد، به نسبت مخالفت «اتحاد شمال»، در پهلوی اختلافات دیگر، و همچنان به نسبت، تسلط نا متناسب «اتحاد شمال»، نگرانی و تردید افغانها، نسبت به آینده افزایش می یافت. وقتی توافقات «بن» به امضاء رسید، چون «لقمه» اتحاد شمال، از روی کمیت بزرگ بود، در مراحل اول، توجه بیشتر به سوی اتحاد شمال، بدون توجه به هر یک از اعضای آن سازمان بوده است.

مستقیماً وقتی، لیست کابینه افشاء شد، پس از تاریخ ۶ «دسمبر» ۲۰۰۱، گزارشگران «بی. بی. سی» عکس العمل‌ها و اعتراضات را، از درون «اتحاد شمال»، حتی از جانب «جنگ سالاران» عضو جمعیت اسلامی نیز برملا ساختند.

به نمونه های چند از اعتراضات و اختلافات در ذیل نظر می اندازیم:

گزارشگر از زبان «جنرال دوستم»، می نویسد: «شرکای اتحاد شمال او، توافق اولی خود را که به سپردن وزارت خارجه، اساساً به گروه «ازبک» جنبش ملی در حکومت انتقالی، موافقت نموده بود، انکار کرده است.» در پای عکس وی که «بی. بی. سی.» نشر نموده است، می خوانیم: «او احساس می نماید، که با وی خیانت شده است.» به جای وزارت خارجه «بخش زراعت و معادن و صنایع به آن» گروه، وزارت خارجه را با وزارت دفاع و داخله به حریف آن، «جمعیت اسلامی» سپرده شده است. «جنرال دوستم همچنان این عمل را برای گروه خود خجالت آور دانسته است.» او معتقد بوده است که «اتحاد، در امر تسخیر شهر ستراتیژیک شمال، مزار شریف را مدیون او هستند، که باعث سقوط طالبان شده است.»

همین «راپورتر» همچنان از زبان «سید احمد گیلانی (Sayed Ahmed Gailani)» یک رهبر پشتون که در مذاکرات «بن» سهم داشته است، گفته است که اداره جدید از یک توازن کامل برخوردار نیست. «علاوئاً گزارش داده می نویسد «آقای گیلانی، از حامیان پادشاه سابق، محمد ظاهر شاه، که در تبعید به سر می برد، گفت که افغان هائی که علیه شوروی جنگیده اند، در نظر گرفته نشده اند.» همچنان از خارج از این کنفرانس «گلبدین حکمتیار» که از نام ایران نیز ضمناً اظهار داشته است، مدعی «شده است که امریکا معامله را تحمیل نموده است.» او مشخص می گوید که «این امر شک را در مشروعیت اداره ای که از کنفرانس بروز خواهد نمود، ایجاد می نماید.» طرح سازمان ملل متحد راهم، همین گزارشگر چنین بیان داشته است:

«اداره موقت برای شش ماه حکمرانی خواهد نمود. یک محکمه عالی تشکیل خواهد شد و در عین زمان یک کمیسیون خاص مستقل متشکل از ۲۱ نفر برای دعوت از جرگه عنعنه ئی، لویه جرگه، به منظور انتخاب حکومت انتقالی و قوای چند ملتی برای امنیت کابل، در نظر گرفته شده است.»

قبل از این که حکومت موقت در افغانستان رسماً به کار خود آغاز نماید، گزارشگر «بی. بی. سی»، روز پنجشنبه ۲۰ دسمبر ۲۰۰۱، خبر می دهد، که «جنگ سالارها» برای اعمار مجدد افغانستان «خطر» استند. تمویل کنندگان بزرگ، کمک به افغانستان، در «بروکسل»، بلجیم (هیأت از قریب ۱۰۰ کشور) تشکیل جلسه داده اند. «ژورنالیست»، متذکر می گردد، که به کمک بین المللی برای اعمار مجدد افغانستان نیاز است. در عین زمان، در خطاب به افغانها، در تحت عنوان «دریچه فرصت»، از زبان آقای «ناتسیوس» (Mr Natsios)، بدین متن می نویسد:

«پیغام سیاسی ما به گروه های «ابتنی» (افغان) و رهبران آنها، اینست، که ما نمی توانیم، کمک کنیم، در صورتی که جنگ داخلی دوباره از سر گرفته شود.» به ادامه همچنان اظهار می دارد: «اگر صلح را حفظ کنید، ما کمک خواهیم کرد.» راپور دهنده علاوه می کند که نامبره به اضافه گفته است، «جامعه بین المللی باید، حال عمل کند، در صورتی که خواهان دوباره نویسی تاریخ در افغانستان باشند. در عین حال تأکید می ورزد که واشنگتن یک حرکت طولانی را در پیش گرفته است.» «این دریچه حتمی است، ... اساسی را برای یک اعمار مجدد طویل المدت فراهم می سازد.» در غیر آن، هوشدار داده است که «تشدید قوای فرار از مرکز، بار دیگر این کشور را پارچه پارچه خواهد ساخت.»

اما، آقای «پتن» (Patten) یاد آور گردیده است که «وظیفه بیمناک» است که در پیش قرار دارد. «ما با یک دولت شکست خورده، فاقد تأسیسات کار، در یک «انفراساختگر» [ساختار] ویران، که اکثریتی از بهترین مغز های آن در مهاجرت به سر می برند.»

جلب توجه می نماید که ضمن ارائه گزارش در باره عکس العمل رهبران «شورای نظار» و «جمعیت اسلامی» تحت رهبری برهان الدین ربانی، همین «راپورتر بی. بی. سی.» به طور مشخص در مورد عکس العمل «دوستم» در جای دیگر نیز چنین گزارش داده است: «آقای دوستم می گوید که او در برابر حکومت جدید مقاومت نشان نمی دهد.» در عین زمان از آوازه های متضاد و مخالفت سخن گفته می شد. موضوع قوای حفظ صلح را «راپورتر» فقط یکی از پرابلمهائی نامیده است، که در آن زمان در برابر حکومت جدید، برجسته شناخته شده است. طوری که قبلاً هم تذکر رفته است، قرار بوده است که حکومت جدید، به تاریخ ۲۲ «دسمبر» ۲۰۰۱ اشغال وظیفه نماید، ولی قریب ده روز قبل از آن، از اختلافات روی جمع آوری قواء، نیز اطلاع داده می شود.

تبصره «اسمعیل خان» مشابه «جنگ سالار» (ازبک)، عبدالرشید دوستم است، که اظهار او نیز به تاریخ ۶ «دسمبر» ۲۰۰۱ میلادی، منتشر گردیده، در حالی که این توافق را محکوم کرده است، در عین حال اخطار داده است که حکومت را تحریم خواهد نمود. «جنرال دوستم – یکی از نیرومندترین قومندانان، در اتحاد شمال – گفت که با گروپ او در زمان توافق تقسیم قدرت، از روش نامناسب کار گرفته شده است.» نماینده «بی. بی. سی.» «پیتر گریسته» (Peter Greste) در کابل می گوید که از جمله چهار گروپ کلیدی اتحاد، به جز گروپ بزرگ مسلط، دیگر همه اظهار نارضایتی در رابطه با ترکیب کابینه نشان داده اند.

این اختلاف بیشتر روی سه وزیر – دفاع، خارجه و داخله – که به «حزب آقای ربانی، جمعیت اسلامی» داده شده بود، بروز نموده است. این سه وزیر را از «دره پنجشیر»، پایگاه «قومندان کشته شده اتحاد شمال احمد شاه مسعود، که به تاریخ ۹ «سپتمبر» ۲۰۰۱» دستخوش «ترور» گردیده بود، تذکر داده است. ضمن آن که همین «راپورتر بی. بی. سی.» از زبان آقای ابراهیمی بعد از صحبت هایش در کابل از مسیر انتقال نام می برد، در همین راپور تأکیداً اینبار، از زبان عبدالرشید دوستم که از وی به عنوان «جنگ سالار» اتحاد شمال نیز یاد می کند، می نویسد که نامبرده گفته است: «غیر منصفانه است، که سه وزیر کلیدی نه تنها به یک حزب در اتحاد داده شده است، بلکه از یک حوزه پنجشیر نیز می باشند.»

به ارتباط این اعتراض «بیم آن می رفت، که آقای دوستم مانع حکومت جدید، به سبب این ایراد خواهد شد.» اما بعد به اتکاء به منابع گزارشی سازمان ملل متحد خبر اطمینانی می دهد، که حالت به وقوع نخواهد پیوست. در یک «پیغام، عنوانی نماینده خاص سازمان ملل متحد برای افغانستان، «الاحضر ابراهیمی»، آقای دوستم، که ساحه زیاد شمال کشور را تحت کنترل دارد، گفته است که از هیچ گونه تلاش در امر ممانعت معامله تقسیم قدرت به دست آمده در «بن» حمایت نخواهد کرد.»

طوری که در فوق تذکر رفته است، با وجود اعتراض «دوستم» در تعیین «مقامات» در کنفرانس «بن»، متعهد شده بود که مانع کار حکومت نخواهد شد. اما در گزارشات یک روز بعد، درست به تاریخ ۶ «دسمبر» ۲۰۰۱، انواعی از موضعگیری ها، از جانب حلقات و افراد مختلف منتشر گردیده است. مطلب منتشر شده در باره «جنگ سالار» دیگر «امیر اسمعیل خان»، یکی از «قومندانان» «حزب جمعیت اسلامی» تحت رهبری برهان الدین ربانی است، که در طول زمان در حقیقت کوشیده است، مستقل باشد. بعداً خواهیم دید، که «مقام» اشغالی خود را در هرات، نسبت به

«وزارت» در کابل «ترجیح» می داده است. گزارشگر، از او به عنوان دومین «جنگ سالار» اتحاد شمال نام می برد، که توافق «بن» را رد کرده است.

گزارشگر می نویسد:

« علایم پارچه شدن، در اتحاد شمال مسلط در رابطه با توافق امضاء شده روز چهارشنبه در «بن» در باره تقسیم قدرت متصور است. قومندان آخرین که از توافق انتقاد نموده است، والی سابق ولایت غربی هرات، اسمعیل خان می باشد، موصوف بر نمایندگان اشتراک کننده در کنفرانس تحت حمایت سازمان ملل متحد، اعتراض نموده است، که نامبرده ها حقایق را در محل در نظر نگرفته اند. « به طور مشخص از زبان «اسمعیل خان» چنین نقل قول نموده است: «واقعیت های «اینتی» و جغرافیائی در محل و نقش مهم کسانی که جنگیده اند، در نظر گرفته نشده است.»

پایان

۲۰۱۲/۰۶/۲۹

یادداشت:

[*] احترام عمیق ما به شخص آقای دوکتور "محمد اکبر یوسفی" یکی از نویسندگان و محققان برجسته کشور، مانع از آن نمی گردد، تا بنویسم:

از نظر ما "محمد ظاهر" آخرین پادشاه افغانستان، پایه و اساس تمام مصایب و بدبختی های فعلی را در کشور گذاشته، بازتاب خونین و نتیجه زیانبار سیاست های ضد ملی و ضد انسانی وی را اکنون مشاهده می نمایم.

اداره پورتال AA-AA